

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Content Analysis of Oppositions Journal's Approach to
after Modernism Architectural Theories (1973-1984)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تحلیل محتوای رویکرد مجله آپوزیشنز نسبت به تئوری معماری پس از مدرنیسم (۱۹۷۳-۱۹۸۴)*

مسعود حبیبی^۱، مریم ارمغان^{۲*}، ایمان رئیسی^۳، شیدا خوانساری^۴

۱. پژوهشگر دوره دکتری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
۲. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
۳. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
۴. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۹

چکیده

بیان مسئله: بی‌گمان جریان مدرنیسم در اواخر سده بیستم با نقدهای بسیاری در نشریه‌های معماری روبه‌رو بوده است. این نقدها هم موجب شکل‌گیری معماری پست‌مدرن بوده‌اند و هم دیگر جریان‌های هوادار مدرنیسم را نمایندگی کرده‌اند. مجله آپوزیشنز به‌عنوان معتبرترین مجله معماری، در اواخر سده بیستم نویسندگان و نقدهای گوناگونی از هر دو طیف را در بر گرفته است. با طرح این «پرسش» که «مجله آپوزیشنز در طول سالیان نشر خود چه رویکردهایی از نقد مدرنیسم را نمایندگی می‌کرده است؟» تلاش می‌شود تا جایگاه آپوزیشنز در مسیر شکل‌گیری تئوری معماری پس از مدرن مورد مطالعه قرار گیرد. می‌توان این «فرضیه» را مطرح کرد که آپوزیشنز با طیف گسترده نویسندگان، که هر کدام بعدها از سردمداران شکل‌های مختلف تئوری معماری پس از مدرن بوده‌اند («پیتر آی‌زمن»، «کنت فرامپتون»، «رم کولهاس»، «رافائل مونثو»، «دنیس اسکات براون»، «مانفردو تافوری»، «برنارد چومی» و دیگران)، می‌تواند نمونه خوبی برای ارزیابی جریان حاکم بر تئوری معماری در آن دوره مهم باشد.

هدف پژوهش: عبارت است از واکاوی اندیشه‌های منتقدانی که در یک بازه زمانی تأثیرگذار، تئوری معماری پس از مدرن را رقم زده‌اند.

روش پژوهش: چارچوب نظری مقاله به کمک شیوه استدلال منطقی به نگارش درآمده و برای تحلیل یافته‌ها از نمونه‌گیری «تمام‌شماری» در روش پژوهش «تحلیل محتوا» استفاده شده است.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌ها می‌توان گفت آپوزیشنز تعاملی دوسویه با جریان‌های تئوری معماری پس از مدرن و نقشی اثرگذار بر شکل‌دادن به آنها داشته است. تلاش برای تئوری‌پردازی - و نه تاریخ‌نگاری معماری - با رویکردی تفسیری در تحلیل جریان‌های روز معماری ناشی از اهمیت چنین نقشی برای نویسندگان آپوزیشنز است. در سال‌های میانی انتشار مجله، نومدرنیست‌ها و ستایش از اقتصاد آزاد، جهانی‌سازی و تکنولوژی بیشتر به چشم می‌خورد، ولی در سال‌های ابتدایی و انتهایی، به تأثیر از رویکرد منطقه‌گرایی انتقادی پست‌مدرنیست‌ها واژه‌های زیرمتن‌گرایی، فرهنگ و جامعه، کلیدواژه‌های آپوزیشنز را شکل داده‌اند.

کلیدواژه‌گان: آپوزیشنز، مدرنیسم، نومدرنیسم، پست‌مدرنیسم، معماری مدرن.

مقدمه و بیان مسئله

برای ظهور جلوه‌های مدرنیته در صنعت ساخت‌وساز می‌توان

از تاریخ مشخصی نام برد که با ورود مصالح جدید، مانند چدن، فولاد و شیشه، در ساخت «آیرون بریج»^۱ (۱۷۸۱)، «کریستال پالاس»^۲ (۱۸۵۱) و اسکلت‌های فلزی در ساختمان‌های بلندمرتبه شیکاگو پس از «آتش‌سوزی ۱۸۷۱»^۳ قابل شناسایی است. با این حال، نمی‌توان برای آغاز مدرنیسم از تاریخ مشخصی یاد کرد. مدرنیسم نه یک

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «مسعود حبیبی» با عنوان «تبیین پارادایم معماری معاصر ایران در دوره پیرامدن» است که به راهنمایی دکتر «مریم ارمغان» و مشاوره دکتر «ایمان رئیسی» و دکتر «شیدا خوانساری» در دانشکده «معماری و شهرسازی» دانشگاه آزاد قزوین در سال ۱۴۰۰ در حال انجام است.
** نویسنده مسئول: Maryam.Armaghan@gmail.com

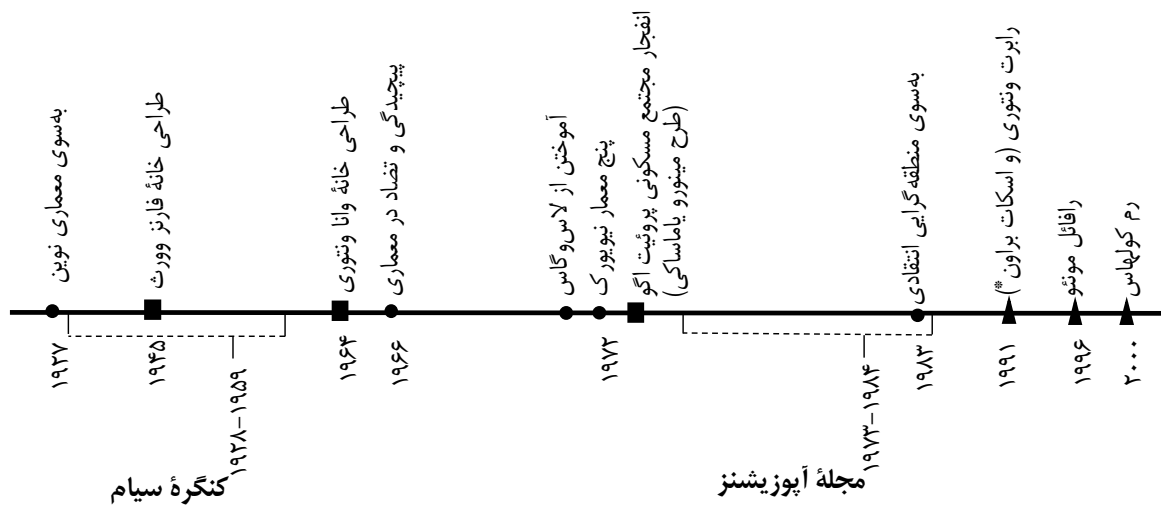
و نشیب همچنان راه خود را می‌پیماید. در واقع «تافتوری روند مدرنیزاسیون را به‌عنوان یک توسعه اجتماعی بیان می‌کند که با عقلانیت در حال گسترش و گسترده‌تر کردن برنامه خود است» (Heynen, 1999, 129).

سوی دیگر این جریان در دهه ۱۹۸۰ با رویکردی متفاوت به این آرمانشهر وعده داده شده مدرنیسم و رابطه آن با جامعه می‌نگرد. «اگرچه جنبش مدرن جریان نیرومندی را در توسعه معماری سده بیستم ایجاد کرد ولی هیچ یک از آرمان‌های این آرمانشهر به واقعیت بدل نشد. آیا پرسید: آیا این ایدئال‌های خوش‌بینانه و تجربه‌های اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیک جنبش مدرن همچنان معنایی برای آینده ما خواهند داشت، یا آنکه با وضعیت امروز ما نامربوط هستند؟» (Henket & Heynen, 2002, 12).

مجله آپوزیشنز (۱۹۷۳-۱۹۸۴) در زمانی مناسب و با نویسندگانی متناسب با جریان‌های فکری دوره خود تلاش می‌کند تا راهی برای تئوری معماری پس از مدرنیسم در معماری باز کند. نگاه نقدگرانه‌ای که آپوزیشنز آن را نمایندگی می‌کند مجموعه‌ای از منتقدان مدرنیسم را در هر دو سوی این جریان فکری در خود جای داده است. به همین جهت، کنکاش در رویکردهای متفاوتی که در آپوزیشنز دیده می‌شود، می‌تواند ما را در شناخت جریان‌های مختلف پس از مدرنیسم و توان هر کدام در جهت‌دهی به تئوری معماری یاری کند.

رویداد ناگهانی، که گونه‌ای جریان فکری است که می‌توان تبارشناسی آن را از رنسانس مطالعه کرد. در زمان حاضر نیز، همچنان می‌توان از این ریشه‌ها به‌عنوان مبانی معماری مدرن نام برد. «مدرنیسم سده بیستم - در برابر شکلی از تاریخ معماری که آن را با تزئینات زیاد و همسو با سنت می‌شناسیم - خود را با عنوان‌های خردگرا، عملکردگرا و فن‌گرا تعریف می‌کند» (Klein, 2014, 6). در جامعه نیز می‌توان بروز گونه‌هایی از مدرنیسم را جست‌وجو کرد. «[مدرنیسم] به شکل برخوردی از نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را نشان می‌دهد، سیمایی که تجربه زندگی مدرن را می‌سازد» (Smith, 2014, 271).

برای شناسایی تاریخ شکل‌گیری تئوری معماری مدرن کم‌وبیش می‌توان به سال انتشار کتاب‌های تأثیرگذار مراجعه کرد (تصویر ۱). جریانی از تئوری‌پردازی در معماری که در ادامه، در دهه ۱۹۷۰، تلاش می‌کند تا با نقد و دسته‌بندی خود در گونه‌های مختلف، راه را برای اندیشیدن پیرامون پسامدرنیسم در معماری باز کند. در دو سوی این جریان، هم می‌توان رویکردی را یافت که همچنان به بنیان‌های نخستین مدرنیسم وفادار است و هم می‌توان از دسته‌ای دیگر نام برد که با رویکردی رادیکال نسبت به مدرنیسم به نقد مسیر طی شده در معماری مدرن می‌پردازند. «مانفردو تافتوری» از منتقدان دوره مدرنیسم، در نقد رابطه میان معماری و جامعه، آرمانشهر مدرنیستی خود را جریانی می‌داند که با فراز



● کتاب‌های معماری
 ■ رویدادهای معماری
 ▲ نویسندگانی که سال‌های بعد جایزه پريتزر دریافت کرده‌اند.

* پروژه‌ها و کتاب‌های ونتوری و همسرش اسکات براون مشترک هستند، ولی بنیاد پريتزر تنها از ونتوری نام آورده است.

تصویر ۱. تاریخ‌های مجله آپوزیشنز و رویدادهای اثرگذار بر معماری مدرن. مأخذ: نگارندگان.

[در مجله آپوزیشنز ...]

۱. چه رویکردی از نقد معماری دارای بیشترین فراوانی میان مقاله‌هایی است که به مدرنیسم در معماری پرداخته‌اند؟
۲. گرایش تئوری مقاله‌هایی که به نقد مدرنیسم در معماری پرداخته‌اند، در طول سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۴ به چه سمتی حرکت کرده است؟
۳. پیش از آنکه معماری مدرن با رویکرد منطقه‌گرایی انتقادی پست‌مدرنیست‌ها در اواخر دهه ۱۹۷۰ روبه‌رو شود - در سال‌های مختلف انتشار مجله آپوزیشنز - نقد مدرنیسم در معماری چه نسبتی با منطقه‌گرایی دارد؟

اعتبارسنجی مجله آپوزیشنز

در اعتبارسنجی مجله آپوزیشنز به دو نکته می‌توان اشاره کرد: نخست، تاریخ انتشار مجله آپوزیشنز است. در میان سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۴ مدرنیسم در معماری از یک‌سو همچنان پیروان سرسخت خود را دارد و در سویی دیگر، در این سال‌ها مباحث بیشترین نقدها به مدرنیسم در تاریخ معماری روبه‌رو هستیم. دوم، طیف گسترده نویسنده‌گانی است که در این مجله پیرامون نقد مدرنیسم مقاله نوشته‌اند. این افراد در سال‌های پیش و پس از انتشار مجله‌گونه‌های مختلف تئوری معماری پس از مدرنیسم را رقم زده‌اند. پیتز «آیزمن» از سال ۱۹۶۹ در «نیویورک پنچ» - همراه با رم کولهاس - چهره به‌روز شده‌ای از مدرنیسم در معماری را نمایندگی می‌کنند، «رافائل مونثو» با پروژه‌هایش نقش منتقدی میانه‌رو را برای مدرنیسم ایفا می‌کند و «دنيس اسکات بران» با انتشار کتاب «از لاس‌وگاس بیاموزیم: نمادگرایی فراموش شده از فرم معماری» (به‌همراه «رابرت ونتوری» و «استیون لزنور») در سال ۱۹۷۲ رادیکال‌ترین جریان را در نقد معماری مدرن شکل می‌دهد. «پیتز آیزمن»، «کنت فرامپتون»، «رم کولهاس»، «رافائل مونثو»، «آلدو روسی»، «کالین روو»، «دنيس اسکات براون»، «مانفردو تافوری»، «برنارد چومی» و ... از نویسندگان آپوزیشنز هستند که در سال‌های مختلف پیرامون مدرنیسم در معماری نوشته‌اند (بنگرید به تصویر ۱).

چارچوب نظری تحقیق

بنیان‌های مدرنیسم را باید در عصر روشنگری، پیشرفت علم و خرد انتقادی^۴ جست‌وجو کرد، ولی چنانکه در مقدمه نیز اشاره شد، «مشخصه‌های اصلی جامعه مدرن را می‌توان در ارائه سیمای نوینی از ساختارها و نهادهای فرهنگی و پتانسیل روبه‌رشد بسیج نیروهای اجتماعی معرفی کرد» (Eisenstadt, 2010, 1). در این میان آنچه مهم خواهد بود تغییر در توان اثرگذاری هر یک از این موارد در بروز مدرنیسم است. «این تغییرات ساختاری و نهادی مدرنیته [و مدرنیسم] به‌طور پیوسته با برنامه فرهنگی مدرنیته در

پیرامون ضرورت انجام این پژوهش باید گفت «ساختار مدرنیسم، پیوسته با برنامه فرهنگی خود آمیخته می‌شود و مدرنیته جدیدی را شکل می‌دهد» (Eisenstadt, 2010, 3). این تغییر ساختاری در سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۸۴ (سال‌های انتشار مجله آپوزیشنز) همسو با موج پست‌مدرنیته بنیادی‌ترین انتقادها را نسبت به معماری مدرن به‌همراه داشته است؛ موجی که در سال‌های پس از مدرنیسم در معماری جریان‌های مختلف و گاه متضادی از تئوری معماری را شکل می‌دهد. به‌نظر می‌رسد شناخت جایگاه تئوری معماری پس از مدرنیسم و تلاش بنیان آن برای تفسیر این چهره نرسیده لازمه مطالعه تاریخ تئوری معماری است.

در این پژوهش ذیل عنوان «اعتبارسنجی مجله آپوزیشنز»، به تفصیل جایگاه نویسندگان این مجله و نقش آنها در شکل‌دادن به چهره‌های مختلف تئوری معماری پس از مدرن نشان داده است.

روش تحقیق و نمونه‌گیری

برای پیشبرد این پژوهش، در نگارش چارچوب نظری مقاله از شیوه استدلال منطقی بهره گرفته شده و در تحلیل اطلاعات گردآوری شده از شیوه کدگذاری در روش تحقیق تحلیل محتوا استفاده شده است. همچنین به‌جای شیوه‌های مختلف نمونه‌گیری - که برای جامعه آماری با طیف‌های گسترده و فراوانی بسیار زیاد به‌کار می‌رود - در اینجا از «راهبرد تمام‌شماری» برای نمونه‌گیری استفاده شده است؛ راهبردی که «در آن تمامی افراد [و حجم نمونه] مورد بازدید، پرسش و بررسی قرار می‌گیرند» (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱، ۱۴۳).

برای «نمونه‌گیری» در این پژوهش، از مجموعه مقاله‌های مجله آپوزیشنز که در سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۴ منتشر شده‌اند استفاده شده است. این مجموعه در سال ۱۹۹۸ در سه جلد و ۷۰۰ صفحه بازنشر شده و از حدود ۲۸ مقاله منتشرشده در آن، ۱۷ مقاله - به‌طوری که در چارچوب نظری این مقاله دیده می‌شود - به تئوری معماری پس از مدرن پرداخته‌اند که از آنها به‌عنوان منبع اصلی تحلیل‌ها و تدوین جدول‌های بخش یافته‌ها استفاده شده است. با توجه به حجم نمونه، از شیوه «کدگذاری باز» استفاده شده است تا به کمک آن محتوای مورد بررسی دسته‌بندی شود، انتخاب کلیدواژه‌ها (کدها) نیز در جدول‌های بخش یافته‌ها با چنین هدفی صورت گرفته است. سپس به کمک «کدگذاری محوری» (تاریخ چاپ مقاله‌ها و کلیدواژه‌ها) نتیجه پژوهش در تصویر پایانی آمده است.

چنانکه گفته شد، «هدف» این پژوهش را می‌توان واکاوی اندیشه‌های منتقدانی دانست که در یک بازه زمانی تأثیرگذار، تئوری معماری پس از مدرن را رقم زده‌اند. همچنین، برای روشن شدن هدف، «پرسش»هایی که در ادامه می‌آیند دورنمای این پژوهش را مشخص می‌کنند.

پست مدرنیسم رادیکال چشم به سوی مدرنیسم دارند تلاش می‌کنند تا وفاداری به سنت‌های مدرنیسم را این بار با نگاهی نو پی بگیرند. «هر اندازه که مدرنیست‌ها و لیت‌مدرنیست‌ها تمایل دارند تا بر راهکارهای فنی و اقتصادی تمرکز کنند، پست‌مدرنیست‌ها به ضمیمه‌های فرهنگی و زیرمتن‌گرایی^۸ خود تأکید دارند» (ibid., 41). در واقع، فن‌گرایی، علوم اجتماعی و اقتصاد بدل به پاشنه آشیل نومدرنیست‌ها در تعریف خود در برابر پست‌مدرنیست‌ها می‌شوند. هر اندازه که از معماری سبک فراملی مدرنیسم‌های نسل اول دور می‌شوند، جا را برای دیگر جلوه‌های جهانی‌سازی علوم اجتماعی باز می‌کنند. «علوم اجتماعی از دریچه نگرش نومدرنیستی پالوده می‌شود. این دیدگاه بیش از روابط انسانی، تأکید زیادی بر مشارکت کارگران و دموکراسی در محل کار دارد» (McAuley, Duberley & Johnson, 2007, 106-107).

نومدرنیست‌ها را با هر نامی که دسته‌بندی کنیم: هایپرمدرنیسم، لیت‌مدرنیسم، متامدرنیسم، مولتی‌مدرنیسم و ... در قلمرو علوم انسانی، در بازار آزاد، دموکراسی، حقوق شهروندی و دیگر چهره‌های رویکرد جهانی‌سازی با یکدیگر مشترک هستند.

• مدرنیسم بومی با تفسیری فراملی: پیرامدرنیسم و سوپر مدرنیسم

تمام رویکردهایی که می‌توان در تبارشناسی میان جدال مدرنیسم و پست‌مدرنیسم رادیکال شناسایی کرد از نظر چگونگی تعریف دو گزاره اساسی قابل دسته‌بندی هستند: فرهنگ و جهانی‌سازی. چنانکه گفته شد، دسته اول در پیروی از گونه‌های مختلف جهانی‌سازی قلمرو خود را، در ستایش سنت‌های مدرنیسم، از پست‌مدرنیسم رادیکال جدا کرد. دسته دوم نیز با تعریفی که از فرهنگ درون‌زای خود و هم‌نشینی آن با زبان مدرنیسم در معماری ارائه می‌دهد، راه خود را از پست‌مدرنیست‌ها جدا می‌کند. این دسته از یک‌سو شاگردان غیرغربی و نسل دوم مدرنیست‌ها هستند و از سوی دیگر، دارای ملیتی با فرهنگ پربار بومی نیز هستند.

اگرچه «کنت فرامتون»، یکی از سردمداران معماری پست‌مدرن، در کتاب «منطقه‌گرایی انتقادی» به سبک فراملی مدرنیسم می‌تازد و شرط برقراری معماری را توجه معمار به معماری بومی آن منطقه می‌داند، دسته دوم - که «معماری پیرامدرن» نیز از آن جمله است - تلاش می‌کنند تا توجه به فرهنگ بومی در معماری را در «جهانی‌سازی» این جنس از معماری مدرن دنبال کنند. اگر نمایندگان شکل اول را «رم کولهاس» و «ریچارد می‌یر» بدانیم، نمایندگان معماری پیرامدرن را می‌توان «تادائو آندو»^۹ی ژاپنی و «وانگ شو»^{۱۰}ی چینی در دوره معاصر دانست.

در واقع نقد پیرامدرنیست‌ها به شکلی از جهانی‌سازی فرهنگ است که آن را به فرهنگ غربی و غیرغربی تقسیم می‌کند.

هم آمیخته می‌شوند، این مسئله موجب بروز مدرنیته‌های متعدد خواهد شد» (ibid., 3).

مطالعه سیر تکاملی مدرنیسم در دهه اخیر ما را با گونه‌های متفاوتی از آن آشنا خواهد کرد. «داگلاس مائو»^۵ با مطالعه سیر تکاملی مدرنیسم - بیرون از مرزهای سنتی آن: اروپا و غرب - از سه شاخه مختلف نام می‌برد: نخست، نگاهی که با استدلال‌های خود برای هم‌نشینی انواع سنت‌های جایگزین در مدرنیسم، در واقع همان اندوخته مدرنیسم را بسط می‌دهد. اندیشه‌های «فریدمن» در اقتصاد و بازار و پیش‌فرض‌های جهانی‌سازی و ... همه از این دست هستند؛ دوم، استدلالی که فرآورده‌های مدرنیسم بومی^۶ را با تفسیری فراملی به نمایش می‌گذارد. مدرنیست‌های چینی و ژاپنی هر دو در این دسته جای می‌گیرند؛ سوم، استدلالی که در پاسخ مدرنیست‌ها به امپریالیسم شکل گرفته است (جدال میان قدرت‌های سیاسی - اقتصادی)؛ نگاهی که با حرکت‌های استعمارزدایی^۷، مدل نوینی از جامعه فراملی را شکل می‌دهند (Mao & Walkowitz, 2008, 738-740). در این میان، تئوری معماری پست‌مدرنیسم راهی جدا از مدرنیسم طی می‌کند، ولی می‌توان از آن به‌عنوان یک نقد رادیکال در «تئوری معماری پس از مدرن» نیز یاد کرد (جدول ۱).

• همسو با سنت‌های مدرنیستی، نومدرنیست‌ها

هم‌زمان با بروز نقدهای رادیکال به مدرنیسم در معماری، این دوگانگی میان طرفداران مدرنیسم و جریانی که بعدها از آن با نام پست‌مدرنیسم یاد می‌شود، از همان آغاز قابل تفکیک است. «هر دو دیدگاه حدود دهه شصت شروع می‌شوند و به کم‌وکاستی‌های مدرنیسم واکنش نشان می‌دهند. معماران نیز میان یکی از این دو، یا رویکردی که پیوند میان آنها را دنبال می‌کند، تقسیم می‌شوند» (Jencks, 1987, 51). در این میان، کسانی که هم منتقد مدرنیسم هستند و هم در کشاکش میان مدرنیسم و

جدول ۱. دسته‌بندی تئوری معماری پس از معماری مدرن. مأخذ: نگارندگان.

دسته	رویکرد(ها)
الف	همسو با سنت‌های مدرنیسم (نومدرنیسم‌ها)
ب	مدرنیسم بومی با تفسیر فراملی
ج	خودرأیی در برابر مدرنیسم (مدرنیسم مرتجع)
د	نقد رادیکال مدرنیسم

بازۀ زمانی خاص - چنانکه جارلز جنکس از دهۀ ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ نام می‌برد - اشاره دارد. در واقع، «مدرنیسم مرتجع در شرایط و گستره‌ای جهانی رخ می‌دهد که مملو از احساس‌های ناسیونالیستی و گرایش‌های بنیادگرایانه است» (ibid., 3).

در سالیان اخیر دیگر نمی‌توان از یک مدرنیسم ارتدوکس سخن گفت. نومدرنیست‌ها چهره‌های متفاوتی از مدرنیسم را نشان می‌دهند. در قلمرو معماری، بروز این مدرنیسم‌ها ناشی از تعامل تئوری معماری مدرن با ساختارهایی از خرد انتقادی در دورۀ معاصر است. «ساختارهایی جهانشمول با کیفیت‌های متفاوت که با نسبت‌های متفاوتی از اجزاء و تعامل آنها با یکدیگر پدیدار می‌شوند؛ زندگی، آگاهی، جامعه و فرهنگ این کیفیت‌ها هستند؛ پدیده‌هایی که نمی‌توان آنها را در تکه‌هایی جدا از هم بررسی کرد» (Jencks, 2007, 62). در جدول ۲ با نام‌بردن از مدرنیسم‌هایی که در میان منتقدان از اقبال بیشتری برخوردار بوده‌اند، به گسترۀ مناسبی از رویکردهای مختلف مدرنیسم پرداخته شده است. در تنظیم این جدول تلاش شده است تا از منابع اولیه^{۱۰} استفاده شود. به همین دلیل، بیانیه‌های معماری، متن سخنرانی پیروان آنها و نیز کتاب‌های تئوری معماری که در میان نویسندگان همه‌گیر هستند، منابع شکل‌گیری جدول ۲ را تشکیل داده‌اند.

یافته‌ها

اگرچه فعالیت مجلهٔ آپوزیشنز به سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۸۴ بازمی‌گردد، ولی به‌دلیل اعتبار آن همچنان برای مطالعهٔ تاریخ تئوری معماری یک منبع معتبر به حساب می‌آید. به همین دلیل مجموعهٔ جدیدی از مقاله‌های منتخب آرشیو آپوزیشنز (Hays, 1998) - که بیشترین ارجاع را در نوشتار معماری در این سال‌ها داشته‌اند - در سه جلد (۷۰۰ صفحه) منتشر شده است.

نویسندگان مجلهٔ آپوزیشنز در پی تاریخ‌نگاری معماری نیستند، نگاه نقدگرایانه به معماری معاصر و تلاش برای جریان‌سازی، بیش از هر چیز دیگر در آن به چشم می‌خورد. در ویرایش سال ۱۹۹۸ مجموعه جلد‌های آپوزیشنز، تنها یک مقاله - با پرداختن به پیشینهٔ فکری گروه آرشیو گرام، که در سال نشر مقاله (یعنی ۱۹۷۶) گروهی نوپا و معاصر به حساب می‌آمد - سهم موضوع «مدرنیته» و دستاوردهای ساخت‌وساز صنعتی در معماری شده است (جدول ۳).

• تئوری‌های معماری پس از مدرن در آپوزیشنز

هم‌زمان با آغاز به کار مجله، معماری مدرن با نقدهای بی‌شماری روبه‌رو بود، به‌نظر می‌رسد «تئوری معماری پس از مدرن» مهم‌ترین پرسشی است که نویسندگان آپوزیشنز در پی پاسخ آن هستند.

باید یادآور شد، نام‌هایی که در اینجا برای جریان‌های تئوری

«مدرنیسم به‌عنوان ایدئولوژی مدرنیته؛ این ابزاری برای غرب است تا باقی جهان را همسو با دانش، میل و لذت خود تغییر دهد. جهان غیرغربی جهانی نامدرن یا پیشامدرن دیده می‌شود و آن را به‌شکل گونه‌ای سنت عقب‌افتاده برمی‌شمارند. ... مدرنیته و پیرامدرنیسم را باید از دریچه‌ای دید که وقتی از آن نگاه می‌کنیم، ما را نسبت به یکدیگر متفاوت ببیند و در تفسیرهای متفاوتی که البته در قلمرو هنر معاصر گام بر می‌دارند، کمک کند» (Meyer, 2012, 9).

گونهٔ دیگری از نومدرنیست‌ها، که می‌توان آن را نیز - به‌دلیل توجه به جهانی‌سازی و بی‌توجهی به تفکیک فرهنگ غربی و غیرغربی - در این دستهٔ دوم قرار داد، «سوپرمدرنیست‌ها» هستند. سوپرمدرنیست‌ها با اشاره به عملکردهای جدید پدیدآمده در سدهٔ بیستم، ناشی از سرعت بالای نقل و انتقال مسافران و هم‌نشینی مسافرانی که هرکدام فرهنگ خود را دارند، در مکانی بدون فرهنگ همچون فرودگاه، پایانهٔ مسافری و ... (که مارک اوژه آنها را «نامکان‌ها» می‌نامد)، به شکل دیگری از جهانی‌سازی و ارجحیت‌نداشتن فرهنگی بر فرهنگ دیگر اشاره دارند. «در جهان سوپرمدرنیته، دورنمای فرهنگی ما آشکارا تغییر خواهد کرد و نامکان‌ها را نمی‌توان تاریخی یا با هویتی مشخص به تعریف درآورد» (Zukauskienė, 2016, 110).

• خودرأیی در برابر مدرنیسم: مدرنیسم مرتجع

اگر در معماری پیرامدرن و سوپرمدرن شکل برخورد با فرهنگ بومی پارادایم اصلی را مشخص می‌کرد، برای «مدرنیست‌های مرتجع»^{۱۱} (اگر نگوییم کهنه‌پرست!) ایدئولوژی سیاسی بدل به نقشهٔ راه هنر و معماری می‌شود. نباید فراموش کرد که این نگرش در سایهٔ روابط قدرت‌های سیاسی و نظامی در سال‌های جنگ جهانی دوم و پس از آن شکل گرفته است. «این جنبش (۱۹۳۰-۱۹۵۰) به‌وسیلهٔ موسولینی، فرانسیسکو فرانکو، هیتلر و استالین رهبری می‌شد، جمعی که فرآورده‌ها، ترقی‌خواهی تکنولوژیک و روزمرگی‌های یک کشور مدرن را پذیرفته بودند» (Jencks, 2007, 9).

در نگرش مدرنیست‌های مرتجع، گونه‌ای ناسیونالیسم دیده می‌شود که تلاش می‌کند خرده‌فرهنگ‌ها و چندصدایی را با هدف برپایی نگاهی یکپارچه و برآمده از ایدئولوژی خود نادیده بگیرد. «مفهوم فضیلت در مدرنیسم مرتجع با پرهیز از چندگانگی فرهنگی و شکل‌دادن به یک گونهٔ جهانشمول از فرهنگ پدید خواهد آمد، اگرچه باید به یاد داشت، چنین‌الگویی از فرهنگ هرگز به مدرنیسم [وعده داده شده] نخواهد انجامید، ولی در پس همین فقدان هم می‌توان به تفاوت اساسی میان مدرنیسم و مدرنیسم مرتجع پی برد. مسئله این است که اولی به گسترش ارزش‌های جهانی، مانند لیبرالیسم اجتماعی و اقتصادی، پایبند است و دومی به ناسیونالیسم دلبسته است» (Podoshen, 2014, 4-5).

ناسیونالیسم در اینجا نه به معنای عام آن، بلکه بیشتر به یک

جدول ۲. عنوان‌ها و مفهوماها در سیر تکاملی مدرنیسم. مأخذ: نگارندگان.

منبع	تعریف(ها)	گونه‌شناسی مدرنیسم
Alexander, 1994, 184	۱. بازار باز و دموکراسی دوباره در سطح جهان همه‌گیر شده است، ... و جهان‌گرایی بار دیگر تبدیل به سرچشمه‌ی تمامی نظریه‌های اجتماعی شده است. مفاهیم مشترک [میان جوامع] ارزش خود را باز یافته‌اند. (نومدرنیست)	
Rudrum & Stavris, 2015, 157	۲. پیشوند «پست» در پست‌مدرنیسم همچنان توجه مخاطب خود را به گذشته‌های فرامی‌خواند که مرده است. شاید به همین دلیل اکنون زمان پیش رو به‌سوی جلو با نیروی بیشتری است. ^{۱۱} (هایپرمدرنیسم)	نومدرنیسم(ها)
Jencks, 1987, 41	۳. مدرنیست‌ها و مدرنیست‌های متأخر در حل مسئله‌ها همواره بر راهکارهای اقتصادی و تکنیکی تمایل دارند، در حالی که پست‌مدرنیست‌ها پیوسته به افزودن بر متن و فرهنگ اشاره می‌کنند. (مدرنیسم متأخر)	
Baciu, Bocos & Baciu Urzica, 2015, 35	۴. تمام‌مدرنیسم مرحله‌ای است که فرد به بدگمانی و تردید رسیده است ... و پیشنهاد آشتی میان مدرنیسم و پست‌مدرنیسم را می‌دهد. (تمام‌مدرنیسم)	
Endo, 2016	۵. مدرنیسم به‌عنوان یک اسم خاص مدت‌هاست که مرده، ولی به‌عنوان یک شیوه‌ی نگرش همچنان نیرومند است. تمام تعریف‌ها از «پیرامدرنیسم» از اصول مدرنیسم با ستایش یاد می‌کنند، در حالی که در وادی معماری به پارامترهای محیط اجتماعی و فرهنگی نیز توجه دارد.	
ibid.	۶. پیرامدرنیسم به گونه‌ای از هم‌زمانی ^{۱۲} فرهنگی [در مدرنیسم] اشاره دارد. ... به‌گمان من معماری که خود را ژاپنی می‌پندارند، در بازسازی مدرنیسم خوب عمل کرده‌اند.	پیرامدرنیسم
Meyer, 2012, 6	۷. به‌نظر می‌رسد پیرامدرنیته با منطق تکاملی مدرنیسم متفاوت است، اگرچه نمی‌توان آن را پادمدرنیته دانست.	
Auge, 1997, 31	۸. در تعریف سوپرمدرنیسم مارک اژه از واژه نامکان‌ها استفاده کرده است.	
ibid.	۹. کره زمین کوچک شده است. ما در دوره‌های زندگی می‌کنیم که مقیاس‌ها تغییر کرده است: خودروها و ابزارهای حمل‌ونقل سریع در کمترین زمان ممکن هر فرد یا سرمایه‌های را جابه‌جا می‌کنند.	
ibid., 34	۱۰. ابزارهای گردش سریع مسافران و کالاها شخصیت‌های شناخته‌شده‌ی دوره ما هستند. (اتوبان‌ها، خطوط پرسرعت راه‌آهن، فرودگاه‌ها و ...)	سوپر مدرنیسم (یا نامکان‌ها)
Žukauskienė, 2016, 110	۱۱. در جهان ابر-مدرنیته کنونی، دورنمای فرهنگی به‌سرعت در حال تغییر است، در نتیجه نامکان‌ها را نمی‌توان به‌عنوان ماهیتی تاریخی، فرهنگی و یا هویتی تعریف کرد. هتل‌های فراملی، مراکزهای تفریحی، فرودگاه‌ها، شبکه‌های پیچیده کابلی و تمام این نامکان‌ها، در پس خود ما را به‌سوی فردگرایی هدایت می‌کنند.	
Jencks, 2007, 9	۱۲. مدرنیسم مرتجع (۱۹۳۰-۱۹۵۰) جنبشی به سرپرستی موسولینی، فرانکو، هیتلر و استالین که به تعریف آن، دولت مدرن روح زمانه ^{۱۳} ، فناوری روز و تولید انبوه را می‌پذیرفت و ستایش می‌کرد.	
Jeffrey, 1984, 1	۱۳. آلمان رمانتیک [در زمان نازی] تعریف مدرنیته را نمی‌پذیرد و در پی شکل‌دادن به مدرنیته مد نظر خود، ترکیبی از ناسیونالیسم آلمانی و سوسیالیسم ملی را معرفی می‌کند.	مدرنیسم مرتجع
Talmon, 1996, 131	۱۴. مدرنیسم مرتجع در حقیقت تلاشی است در جهت هویت‌بخشیدن به عنصرهای مدرن سوسیالیسم ملی بدون از بین بردن رویکردهای رادیکال آلمان نازی [نسبت به جامعه، هنر و معماری].	

جدول ۳. تنها مقاله پیرامون «مدرنیته» در مجله آپوزیشنز. مأخذ: نگارندگان.

نویسنده	عنوان و رویکرد مقاله	کلیدواژگان	رویکرد انتقادی
Pawley (1998)	«آرشی‌گرام و بازگشت به تکنولوژی» ^{۱۴} - بررسی ساخت‌مایه‌های نگاه منطقی به معماری در گروه آرشی‌گرام	- فناوری - ساخت صنعتی	نقد معیاری

رفته‌رفته جا را برای دیگران باز می‌کردند، ولی شاگردان آنها در شرق، به‌ویژه ژاپن، در حال شکل‌دادن به گونه جدیدی از معماری مدرن بودند. **جدول ۵** نمایندگان این رویکرد را در آپوزیشن نشان می‌دهد؛ نمایندگانی با فرهنگ رشد یافته بومی، که دل‌مشغولی‌های جهانی‌نگری مدرنیست‌ها را نیز با خود دارند. «در زیرمتن فرهنگی و کالبدی شهرهای ژاپن، در اواخر دهه شصت، بدیهی بود که مبنای حرکت انتقادی معماران می‌باید چیزی بیش از «رهاکردن»، این نگاه ساده آدولف لوس، استاد اتریشی باشد. ... بر خلاف لوس، برای آنها «خانه محصول کار هنری [این فرهنگ بومی] است» (Yatsuka, 1998, 259). در تصویری که آپوزیشن از آنها نشان می‌دهد، مانند دسته نخست، وفاداری به سنت‌های مدرنیسم را در خود دارند، ولی تکاپوی جهانی‌سازی فرهنگ بومی نیز در آنها دیده می‌شود. نمایندگان شاخص «پیرامدرنیست‌ها» در آپوزیشن متابولیست‌های ژاپنی بودند.

شکل دیگری از تئوری معماری پس از مدرن که رابطه مشابهی میان جهانی‌نگری و فرهنگ را نشان می‌دهد، رویکردی است که بعدها در سال ۱۹۹۷ «مارک اوژه» از آن با نام «سوپرمدرنیسم» یاد می‌کند. چنانکه در آپوزیشن به‌نظر می‌رسد این دیدگاه - اگرچه ضعیف - با پرداختن به فرآورده‌های ساختمان‌سازی در عصر مدرن (مانند کارخانه‌های آی.اِ.گ که مجله از آن نام می‌برد) مورد توجه قرار گرفته است. معرفی ساختمان‌های بزرگ‌مقیاس کارخانه‌ها، فرودگاه‌ها، پایانه‌های مسافربری و فضاهای نمایشگاهی آویخته از دیوارهای باربر در مجله از این جمله‌اند؛ ساختمان‌هایی که همگی به لطف فولاد و شیشه هویتی جهانی و جدا از سده‌های هفدهم و هجدهم غرب را همراه دارند.

- مدرنیست‌های مترجع در آپوزیشن

چنانکه گفته شد، نباید فراموش کرد که تئوری معماری پس از مدرن در غرب، زمانی در حال شکل‌گیری است که اروپای مدرن تجربه جنگ جهانی دوم را نیز با خود همراه دارد. «مدرنیسم مترجع» گونه‌ای از معماری مدرن را ترویج می‌کرد که از یک سو ترقی‌خواهی مدرنیته را ستایش و از سوی دیگر، ریشه‌های آن را در پیشینه تاریخی خود جست‌وجو می‌کرد. «جان اوکمن» در مقاله «جالب‌ترین شکل یک دروغ» این دیدگاه را در سخنان پیروان آن این‌طور نقل می‌کند: «در یک مسیر روبه‌توسعه، که به جست‌وجوی تکنولوژی، عقلانیت و کاربردی‌کردن شیوه‌های ساخت در حرکت است، ارتباط میان کلاسیک‌گرایی و خردگرایی کم‌وبیش بی‌واسطه ما را به سوی مدرنیسم پیش خواهد برد. این رویکرد را می‌توان در کارهای پیتر بهرنس، آگوست پرت و میس وندروهه مشاهده کرد» (Ockman, 1998, 413). جست‌وجوی این پیشینه تاریخی را می‌توان با هدف برانگیختن حس ناسیونالیسم در میان افراد جامعه نیز تفسیر کرد. «در حقیقت، در رویکرد نازی‌های آلمان،

معماری مدرن آورده شده (مانند نومدرنیسم، پیرامدرنیسم، سوپرمدرنیسم، مدرنیسم مترجع) در یک یا دو دهه اخیر از سوی تئوری‌پردازان و تاریخ‌نگاران معماری شکل گرفته است و به جریان‌های اثرگذار معماری - و یا در مقیاسی بزرگ‌تر می‌توان گفت علوم انسانی - اشاره دارند. در حقیقت، استفاده از عنوان «تئوری معماری پس از مدرن» با هدف نوعی کلی‌نگری به تمام جریان‌های تئوریک پس از مدرن به‌کار رفته است که تعدادی همسو و تعدادی نیز در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند.

- نومدرنیست‌ها در آپوزیشن

با نگاه به **جدول ۴** «نومدرنیست‌ها» سهم بیشتر و صدای بلندتری را در میان مقاله‌های منتشرشده از سوی مجله آپوزیشن به خود اختصاص داده‌اند. جریانی از تئوری معماری پس از مدرن که هم منتقد مدرنیسم است و هم در پی اصلاح آن، این جریان تئوریک راه را در ادامه سنت‌های مدرنیسم می‌داند. نمایندگان نومدرنیست‌ها در آپوزیشن بیشترین تلاش را برای نگهداری از سنت‌های جهانشمول مدرنیسم دارند. این دست از مقاله‌ها در حوزه‌هایی همچون «جهانی‌سازی، سوسیالیسم، جامعه‌شناسی، اقتصاد و بازار آزاد» در آپوزیشن خودنمایی می‌کنند. نومدرنیست‌ها برای استوارکردن تئوری خود، در بازخوانی کنگره سیام نیز (کنگره‌ای که بانیان آن مدرنیسم‌های ارتدوکس بودند) به دنبال تبارشناسی این رویکردها در میان پدران خود می‌گشتند: «در متن‌های فرانسوی تأکید بر ماشینی‌کردن کارها و رابطه میان آن با تحولات اجتماعی دیگر به چشم نمی‌خورد؛ دو موردی که از دید لوکوربوزیه بسیار مهم بودند؛ همچنین ایده بازنگری معماری در حوزه‌های جامعه‌شناسی و اقتصاد. ... در این میان، متن‌های آلمانی نیز همچنان تأکید می‌کنند که معماری بخش جدایی‌ناپذیری از ساختارهای اقتصادی به‌شمار می‌آید» (Ciucci, 1998, 562).

سال‌ها از ایده «معماری سبک فراملی» «میس وندروهه» می‌گذرد و دستاوردهای آن نیز با نقد بسیاری از معماران همراه بوده، ولی آرمانخواهی «جهانی‌نگری» همچنان بخش جدانشدنی سنت مدرنیسم برای نومدرنیست‌ها به‌شمار می‌رود. در طول سالیان، هرآنچه به‌عنوان هویت جهانی ساکنان کره زمین برشمرده می‌شد رفته‌رفته به بخشی از ماهیت تئوری نومدرنیست‌ها نیز بدل می‌شده است.

در تاریخ معماری و در زمینه طراحی معماری نیز کارهای دفتر «رم کولهاس» و جریانی که با نام پست‌مدرن سفید از آن یاد می‌شود، بر خلاف پست‌مدرن «رابرت ونتوری»، تلاش می‌کند تا نماینده تئوری نومدرنیست‌ها در طراحی معماری باشد. سطح‌های سفید و جداره‌های شیشه‌ای آثار «ریچارد می‌یر» از نیاکان ارتدوکس معماری فاصله گرفته است، ولی در مجموعه این جریان تئوریک جای می‌گیرند.

- پیرامدرنیست‌ها و سوپرمدرنیست‌ها در آپوزیشن
مدرنیست‌های ارتدوکس در غرب با نقدهایی که روبه‌رو بودند،

جدول ۴. مقاله‌ها پیرامون نومدرنیست (ها) در مجلهٔ آپوزیشنز. مأخذ: نگارندگان.

نویسندگان	عنوان و رویکرد مقاله	کلیدواژگان	رویکرد انتقادی
Rowe, (1998)	«رابت و نتوری و دانشکدهٔ ریاضی دانشگاه ییل» ^{۱۵} - معرفی آثار - نه مدرن، نه پست مدرن - تلاش برای تعریف مدرنیسم از دریچهٔ تاریخ	- زیرمتن (اجتماعی)	نقد تفسیری
Eisenman, (1998)	«سیمای مدرنیسم: خانهٔ دوم-اینو و نشانه‌های خود-ارجاعی» ^{۱۶} - معماری لوکوربوزیه‌ای - معماری برای تمام طبقه‌های اجتماعی - عملکرد به‌عنوان وظیفهٔ معماری مدرن	- سوسیالیسم - جهانی شدن	نقد تفسیری
Ellis, (1998)	«گونه و زیرمتن در شهرسازی: زیرمتن‌گرایی کالین رو» ^{۱۷} - تحلیل رویکرد معماری کالین رو از زیرمتن در معماری مدرن - کولاژ در طراحی شهری مدرن	- جامعه، - زیرمتن (اجتماعی)	نقد تفسیری
Scott Brown, (1998)	«پیرامون فرم‌گرایی معماری و علاقه‌های اجتماعی: گفتمانی برای برنامه‌ریزان اجتماعی و معماران بنیادگرای چی» ^{۱۸} - تفسیر مسئله‌ای که میان جامعه‌شناسان و طراحان و همچنین میان معمارها با یکدیگر شکاف ایجاد می‌کند - مؤلفه‌های اجتماعی در تئوری معماری مدرن اولیه - رهایی از فرم‌های دستوری معماری مدرن - خواست جمعی / جامعه از فرم معماری (حقوق شهروندی در معماری)	- سوسیالیسم - جهانی شدن	نقد تفسیری
Foster, (1998)	«قدمت و مدرنیته در خانه لاروج لوکوربوزیه» ^{۱۹} - آثار لوکوربوزیه در پاسخ به عملکرد و ارتباط منطقی میان فرم‌ها در معماری	- سوسیالیسم - جامعه	نقد تفسیری
Ciucci, (1998)	«خلق جنبش مدرن» ^{۲۰} - جایگاه و سخنرانی‌های اعضای کنگرهٔ سیام - تغییرات اجتماعی و پدیدارشدن بازار آزاد در دورهٔ پس از جنگ جهانی - مدرنیسم در بخش‌های مختلف اروپا - در رویکرد آلمانی‌ها (نازی‌ها) اقتصاد بخش جدانشدنی از معماری است.	- بازار آزاد - اقتصاد	نقد توصیفی

جدول ۵. مقاله‌ها پیرامون «پیرامدرنیسم و سوپرمدرنیسم» در مجلهٔ آپوزیشنز. مأخذ: نگارندگان.

نویسندگان	عنوان و رویکرد مقاله	کلیدواژگان	رویکرد انتقادی
Moneo, (1998)	«آلدو روسی: ایدهٔ قرن معماری و مدرن» ^{۲۱} - معماری آلدو روسی و پیشینهٔ منطقه‌گرایی در آن	- منطقه‌گرایی	نقد توصیفی
Anderson, (1998)	«معماری مدرن و صنعتی: پیتر بهرنس و کارخانه‌های آی.ا.گ.» ^{۲۲} - تاریخ ساختمان‌های صنعتی و بزرگ‌مقیاس - ساختمان‌های صنعتی به‌مثابهٔ عصر نوینی از ساختارهای زندگی شهری	- گرایش به مدرنیته - نامکان	نقد توصیفی
Yatsuka, (1998)	«معماری در بیکرانگی شهرنشینی: مقدمه‌ای انتقادی به معماری ژاپن پس از مدرنیسم» ^{۲۳} - معرفی ساختمان‌های دههٔ ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ژاپن که از معماری مدرن تأثیر گرفته‌اند - صحبت پیرامون معمارانی که در پی توسعهٔ جنبش معماری مدرن ارتودوکس هستند - تاریخ معماران مکتب متابولیسم ژاپن	- منطقه‌گرایی - زیرمتن (فرهنگی)	نقد توصیفی

به‌شکلی که در آپوزیشنز دیده می‌شود، این رویارویی میان تئوری پردازهای مدرنیسم مرتجع و نومدرنیست‌ها در چگونگی تعریف معماری و جامعه‌شناسی آن تمام نمی‌شود. در واقع هرآنچه نومدرنیست‌ها در شکل‌دهی به اقتصاد و سیاست

می‌توان گفت کلاسیک‌گرایی میانهٔ دو قطب ناسیونالیسم رمانتیک و خردگرایی عملکردگرا قرار می‌گیرد» (ibid., 417) تا به کمک آن، گونه‌ای از مدرنیسم را که می‌پسندند (آنچه مدرنیسم مرتجع می‌نامیم) تبارشناسی کنند.

همه‌گیر نبود، به طوری که در نمایه کتاب مجموعه جلد‌های آپوزیشنز برای واژه پست‌مدرن تنها به پنج صفحه از ۷۰۰ صفحه ارجاع داده شده است، ولی نباید فراموش کرد که از همان ابتدای شروع به کار مجله، جریانی که امروز از آن با نام «معماری پست‌مدرن» یاد می‌کنیم حضور نیرومندی در قلمرو تئوری معماری پس از مدرن دارد (جدول ۷). این منتقدان رادیکال معماری مدرن با انتشار دو کتاب «پیچیدگی و تضاد در معماری» (۱۹۶۶) و «از لاس و گاس بیاموزیم» (۱۹۷۲) به قلم «رابرت ونتوری» و «دنيس اسکات براون» که نویسنده پرکار آپوزیشنز نیز بود موجودیت خود را در برابر «معماری سبک فراملی» در دوره مدرن آشکار کرده بودند. چنانکه «استوارت کوهن» می‌نویسد، این جریان اعتقاد داشت «جنبش مدرن در معماری، سبکی شبه‌صنعتی از ساختمان‌سازی را در برابر

آزاد به کار بسته‌اند، از نظر آنها پست شمرده می‌شود. «اگرچه دموکراسی چیزی بیش از یک سبک [هنری] است و این اختلاف نظر محدود به معماران و سیاستمداران نمی‌شود، ولی، دموکراسی امروز تعریف یک آرمانشهر [از دیدگاه امپریالیست‌ها] است و پروژه‌ای برای تخریب جامعه انسانی برشمرده می‌شود» (Krier, 1998, 410).

همچنین با نگاه به جدول ۶ مقاله‌هایی که در آپوزیشنز این رویکرد را نمایندگی می‌کنند و یا به نقد آن برخاسته‌اند به نظر می‌رسد تلاش می‌کنند تا نگرش قدرت‌های نظامی به معماری و جامعه، حس نوستالوژیک که ناسیونالیسم ملی را در این کشورها تقویت می‌کند و نیز مبارزه طلبی با امپریالیسم را به چالش بکشند. - پست‌مدرنیست‌ها در آپوزیشنز نام «پست‌مدرنیسم» در سال‌های انتشار آپوزیشنز چندان

جدول ۶. مقاله‌ها پیرامون «مدرنیسم مرتجع» در مجله آپوزیشنز. مأخذ: نگارندگان.

نویسندگان	عنوان و رویکرد مقاله	کلیدواژگان	رویکرد انتقادی
Frampton, (1998)	«صنعتی‌سازی و بحران‌های معماری» ^{۲۴} - تاریخ‌نگاری ساختمان‌های مدرن و مدرنیته سده هفدهم و هجدهم در اروپا	- گرایش به مدرنیته - ناسیونالیسم	نقد توصیفی
Leon Krier, (1998)	«رو به جلو، هم‌دلی؛ ما باید به عقب برگردیم» ^{۲۵} - ناسیونالیسم در برابر سوسیالیسم	- امپریالیسم	نقد تفسیری
Joan Ockman, (1998)	«جذاب‌ترین فرم یک دروغ» ^{۲۶} - اندیشه آلمان نازی پیرامون هنر و معماری	- ناسیونالیسم - کلاسیک‌گرایی	نقد تفسیری
George Baird, (1998)	«معماری و سیاست: یک گفت‌وگوی مجادله‌آمیز. مقدمه‌ای انتقادی به موندمیوم کارل تایگ و تعریف لوکوربوزیه از معماری» ^{۲۷} - تاریخ مدرسه باهوس در آلمان نازی و تحلیل ارتباط میان معماران و سیاستمداران	- سیاست - ناسیونالیسم	نقد تفسیری
Alois Riegl, (1998)	«آیین مدرن یادمان‌ها: ویژگی و خاستگاه آن» ^{۲۸} - نگاه نوستالوژیک به معماری یادواره‌ای و کلاسیک در اروپا	- نوستالوژی - کلاسیک‌گرایی	نقد تفسیری

جدول ۷. مقاله‌ها پیرامون «نقد رادیکال مدرنیسم» در مجله آپوزیشنز. مأخذ: نگارندگان.

نویسندگان	عنوان و رویکرد مقاله	کلیدواژه	رویکرد انتقادی
Stuart Cohen, (1998)	«زیرمتن فیزیکی، زیرمتن فرهنگی؛ ترکیب هر دو» ^{۲۹} - زیرمتن‌های کالبدی در معماری مدرن و زیرمتن‌های فرهنگی در معماری پست‌مدرن - توجه به رفتارهای جمعی در معماری	- التقاط‌گرایی - زیرمتن‌گرایی - فرهنگ	نقد معیاری
Alan Colquhoun, (1998)	«سیما و مفهوم: اندیشیدن پیرامون پیچیدگی، لاس و گاس و ابرلین» ^{۳۰} - جست‌وجوی برآیند دو کتاب ونتوری در آثارش - رد کارکردگرایی در معماری مدرن	- زیرمتن‌گرایی - پیچیدگی	نقد معیاری
Fred Koetter, (1998)	«پیرامون کتاب آموختن از لاس و گاس؛ نوشته ونتوری، اسکات براون، ایزنور» ^{۳۱} - توصیف کتاب	- زیرمتن‌گرایی - التقاط‌گرایی	نقد توصیفی

تفسیری» از این دست هستند. «اساس نقد معیاری بر شکلی از بنای معماری، الگو، [یا نوشتار] استوار است که در جهان پیرامون ما قرار دارد و معیار سنجش ما برشمرده می‌شود» (اتو، ۱۳۸۸، ۴۹). در مجلهٔ آپوزیشنز این معیار یک نظریهٔ پیشرو است که پیش‌تر در یک بیانیه یا پروژه معماری طرح شده است. «نقد توصیفی بر ارتباط بی‌واسطه به چگونگی دیدن یا روبه‌رو شدن با اثر [معماری] استوار است» (همان، ۱۵۷). در معماری «نقد تفسیری به جست‌وجوی پدیده‌های اجتماعی-کالبدی در زمینه‌های پیچیده می‌پردازد» (گروت و وانگ، ۱۳۸۶، ۱۳۶). در مجلهٔ آپوزیشنز نقد تفسیری به شکل نقد معماری از دریچهٔ علوم انسانی به چشم می‌خورد و در شکل دیگر، به ارزش‌گذاری تئوری‌های مطرح‌شده از سوی معماران یا منتقدان پیشروی مدرنیسم در دیگر پروژه‌های معماری می‌پردازد.

تصویر ۳ با نشان‌دادن مقاله‌هایی که به نقد معماری پس از مدرن پرداخته‌اند و دیگر مقاله‌های مجلهٔ آپوزیشنز، به فراوانی رویکردهای نقدنویسی می‌پردازد.

چنانکه دیده می‌شود، نقد تفسیری با اختلاف بیشترین نماینده را در میان نویسندگان آپوزیشنز دارد. «مهم‌ترین ویژگی نقد تفسیری شخصی بودن آن است. منتقد تلاش می‌کند دیدگاه‌های دیگران را چنان تغییر دهد که مسئله را همچون او ببینند و چشم‌انداز جدیدی را از موضوع فراهم آورد یا راه جدیدی برای دیدن آن معرفی کند. ... در حقیقت، منتقد اثر

جریان آکادمیک و التقاطی^{۳۳} هنرهای زیبا به‌نمایش گذاشته است» (Cohen, 1998, 66). این جریان در برابر معماری مدرن بر تهی‌شدن معماری از معنا، جای خالی نقش نمادها و بیش از همه بر زیرمتن‌گرایی در تئوری معماری دست گذاشته بود. «به‌عنوان رویکردی نقدگرانه، جمع متضادها^{۳۳} دیدگاهی است که در آثار نوشتاری و معماری [بانیان پست‌مدرنیسم] مشارکت دارد: افرادی مانند رابرت ونتوری، دنیس اسکات براون، چارلز مور و وینسنت سالی. به عقیدهٔ آنها معماری معاصر، این میراث به‌جامانده از ابرقهرمانان معماری مدرن، از تاریخ معماری جدا افتاده است، به طوری که از بسیاری جلوه‌گری‌های معماری دور مانده و برای نقدهای متوجه آن چیزی برای ارائه ندارد» (ibid., 66).

تحلیل یافته‌ها

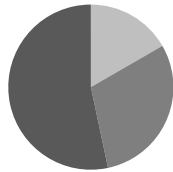
چنانکه دیده شد، دسته‌بندی موضوعی مقاله‌هایی که در مجلهٔ آپوزیشنز به نقد مدرنیسم در معماری پرداخته‌اند را می‌توان در چهار گونهٔ مختلف شناسایی کرد. «نومدرنیست‌ها، پیرامدرنیست‌ها و سوپرمدرنیست‌ها، مدرنیست‌های مرتجع و نقد رادیکال مدرنیسم (پست‌مدرنیست‌ها)» از این دست موضوع‌ها هستند که در مجلهٔ آپوزیشنز دیده می‌شوند. به سه موضوع نخست در بخش چارچوب نظری مقاله پرداخته شد. آنچه در اینجا با نام نقد رادیکال مدرنیسم از آن یاد شده است، شروع جریانی از تئوری معماری پس از مدرن است که در سال‌های بعد با نام «معماری پست‌مدرن» پرچمدار رویکردی اثرگذار و همه‌گیر در تاریخ معماری خواهد شد (تصویر ۲).

• پرسش یک

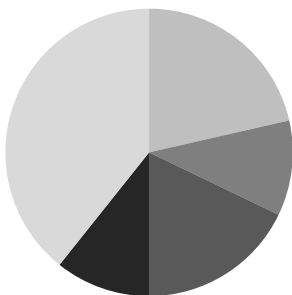
۱. [در مجلهٔ آپوزیشنز] چه رویکردی از نقد معماری دارای بیشترین فراوانی میان مقاله‌هایی است که به مدرنیسم در معماری پرداخته‌اند؟

در میان مقاله‌هایی که به مسئلهٔ مدرنیسم در معماری پرداخته‌اند - چنانکه در جدول‌ها نیز دیده می‌شود - شیوه‌های تحلیلی گوناگونی را می‌توان یافت. «نقد معیاری، نقد توصیفی و نقد

مقاله‌های منتقد مدرنیسم / دیگر	تعداد	تعداد	درصد
نقد معیاری	۲	۳	٪۱۷
نقد توصیفی	۶	۳	٪۳۰
نقد تفسیری	۹	۵	٪۵۳
مجموع	۱۷	۱۱	٪۱۰۰



تصویر ۳. فراوانی شیوهٔ نقد در مقاله‌های آپوزیشنز. مأخذ: نگارندگان.



دسته‌بندی موضوعی مقاله‌ها	تعداد	درصد
نومدرنیسم	۶	٪۲۱
پیرامدرنیسم و سوپرمدرنیسم	۳	٪۱۱
مدرنیسم مرتجع	۵	٪۱۸
نقد رادیکال مدرنیسم	۳	٪۱۱
جمع (تئوری پس از مدرن)	۱۷	٪۶۱
دیگر	۱۱	٪۴۹
مجموع	۲۸	٪۱۰۰

تصویر ۲. پراکندگی و دسته‌بندی موضوعی مقاله‌ها در آپوزیشنز. مأخذ: نگارندگان.

تصویر ۴ این دسته‌بندی را در طول سال‌های مختلف نشر مجله نشان می‌دهد. هر نشانه سیاه نماینده یکی از کلیدواژه‌هایی است که در **جدول‌های ۳ تا ۷** آمده است و مسیر رویکرد انتقادی مقاله را نشان می‌دهند. نشانه‌ها از سمت چپ تاریخ انتشار مقاله را مشخص می‌کنند و از پایین به محور کلیدواژه‌ها دوخته شده‌اند. به این ترتیب، هر نشانه تاریخ انتشار مقاله و قلمرو انتقادی نویسنده را نشان می‌دهد.

در **تصویر ۲** سه محدوده را می‌توان یافت که در بازه‌های زمانی جداگانه خبر از هم‌فکری مشخصی میان نویسندگان - و شاید نقشه راه مجله آپوزیشنز - می‌دهد. این محدوده‌ها در سال‌های ابتدایی و انتهایی انتشار مجله به کلیدواژه‌هایی نزدیک شده‌اند که «زیرمتن‌گرایی، فرهنگ و منطقه‌گرایی» را شامل می‌شوند و بر خلاف آن، در سال‌های میانی کلیدواژه‌های «جهانی‌سازی، سوسیالیسم و تکنولوژی» را نشان می‌دهند. در حقیقت، اگر در محدوده‌های ۱ و ۲ نمایندگان «پست‌مدرنیسم، پیرامدرنیسم، سوپرمدرنیسم و نیز مدرنیسم مرتجع در معماری» بیشتر به چشم می‌خورند، در محدوده ۳ نمایندگان «نومدرنیسم در معماری» دست برتر را دارند.

با نگاه دوباره به **تصویر ۱** دلیل بروز این سه محدوده را

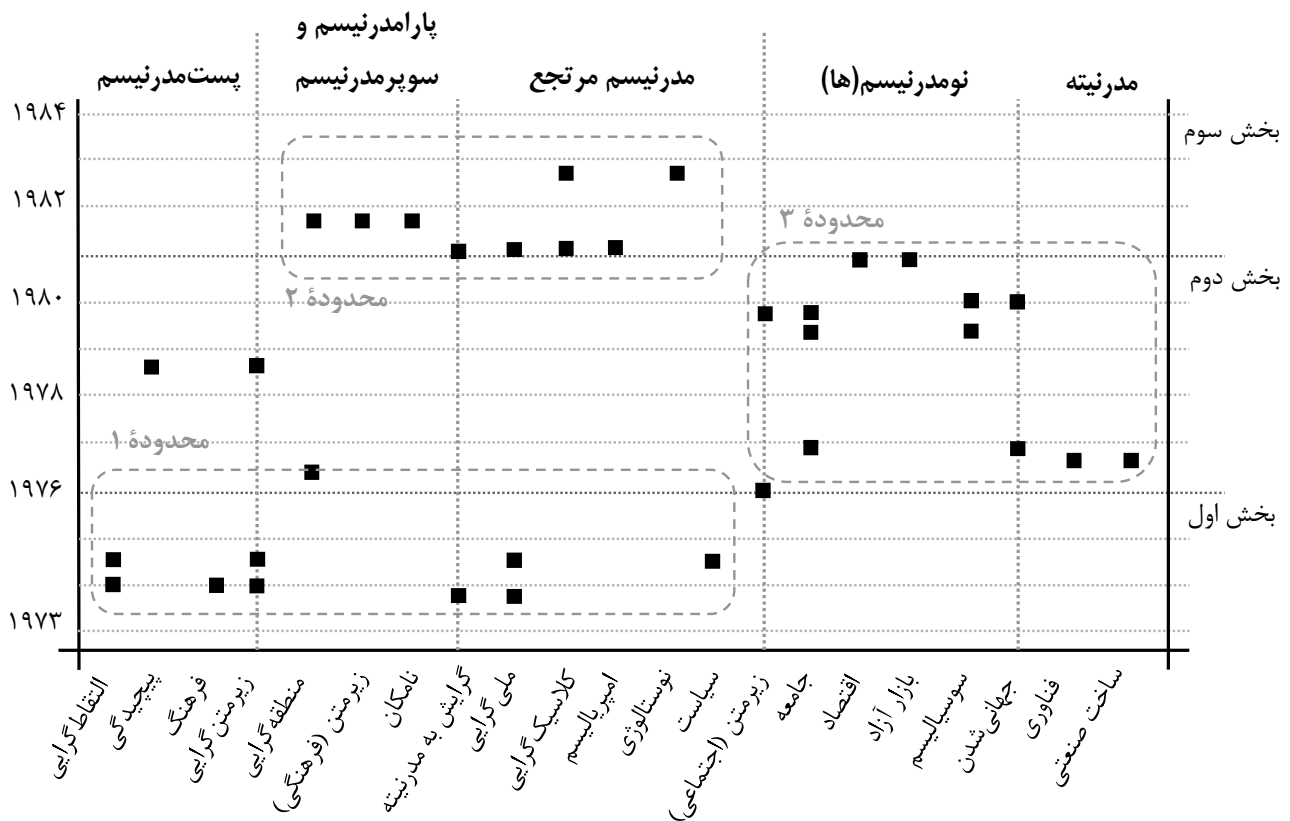
مورد نقد را دستاویزی برای نمایاندن خود به‌عنوان یک صاحب اثر قرار می‌دهد» (آتو، ۱۳۸۸، ۱۱۳). آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد تلاش نویسندگان آپوزیشنز در طول سالین نشر آن برای جریان‌سازی - و نه معرفی پروژه‌ها و تاریخ‌نگاری - در تئوری معماری است. نقد تفسیری بر خلاف دیگر گونه‌های نقد این امکان را به مجله می‌دهد تا دیگر نویسندگان و رسانه‌های معماری را با خود همراه کند و بدل به زبان همه‌گیر و جریان روزانه نقد معماری شود.

• پرسش دو و سه

۲. [در مجله آپوزیشنز] گرایش تئوری مقاله‌هایی که به نقد مدرنیسم در معماری پرداخته‌اند در طول سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۴ به چه سمتی حرکت کرده است؟

۳. پیش از آنکه معماری مدرن با رویکرد منطقه‌گرایی انتقادی پست‌مدرنیست‌ها در اواخر دهه ۱۹۷۰ روبه‌رو شود - در سال‌های مختلف انتشار مجله آپوزیشنز - نقد مدرنیسم در معماری چه نسبتی با منطقه‌گرایی دارد؟

تصویر ۲ به دسته‌بندی موضوعی و پراکندگی مقاله‌ها در چهار عنوان «نومدرنیست‌ها، پیرامدرنیست‌ها و سوپرمدرنیست‌ها، مدرنیست‌های مرتجع و نقد رادیکال مدرنیسم» اشاره داشت.



تصویر ۴. گرایش موضوعی مقاله‌های منتقد مدرنیسم در طول سال‌های نشر مجله آپوزیشنز. مأخذ: نگارندگان.

دیگر، توان مجله را برای شنیده شدن و امکان جریان‌سازبودن بالا برد. تلاش برای این جریان‌سازبودن زمانی بیشتر دیده می‌شود که ببینیم رویکرد تفسیری در نگارش مقاله‌ها - چنانکه بررسی شد - از همه‌گیری بیشتری برخوردار است.

کاوش این تعامل‌های دوسویه میان جریان‌های معماری و ایفای نقش آپوزیشنز، در بزنگاه‌های تئوریک بیشتر به چشم می‌خورد. برای نمونه می‌توان از انتشار کتابی اثرگذار یا هم‌فکری گروهی از معماران (پنج معمار نیویورک) نام برد. چنانکه در تصویر ۲ نیز می‌بینیم، همسویی نویسندگان مجله و مبانی فکری حاکم بر آپوزیشنز با جریان‌های روز معماری نشان از همین تعامل دوسویه و تلاش برای ایفای نقش آپوزیشنز بر شکل‌دادن به تئوری‌های معماری پس از مدرنیسم دارد.

پی‌نوشت

۱. The Iron Bridge
۲. The Crystal Palace
۳. Great Chicago Fire
۴. Critical Wisdom
۵. پروفیسور داگلاس مائو (Douglas Mao) استاد تمام وقت دانشگاه جان هابکینز است. قلمرو مطالعاتی و کتاب‌های او به‌طور تخصصی به مدرنیسم پرداخته است: <http://english.jhu.edu/directory/douglas-mao>
۶. Native modernism
۷. Anti-colonialism
۸. Contextualism
۹. Reactionary Modernist
۱۰. Primary source
۱۱. Hyper-capitalism, hyper-power, hyper-terrorism, hyper-individualism, hyper-text
۱۲. time-lag
۱۳. zeitgeist
۱۴. Archigram and the retreat from technology
۱۵. Robert Venturi and the Yale Mathematics Building
۱۶. Aspects of Modernism: Maison Dom-ino and the Self-Referential Sign
۱۷. Type and Context in Urbanism: Colin Rowe's Contextualism
۱۸. On Architectural Formalism and Social Concern: A Discourse for Social Planners and Radical Chic Architects
۱۹. Antiquity and Modernity in the La Roche-Jeanneret House of 1923
۲۰. The Invention of the Modern Movement
۲۱. Aldo Rossi: The Idea of Architectural and Modern Century
۲۲. Modern Architecture and Industry: Peter Behrens and the AEG Factories
۲۳. Architecture in the Urban Desert: A Critical Introduction to Japanese Architecture after Modernism
۲۴. Industrialization and the Crises in Architecture
۲۵. Forward, Comrades, We Must Go Back
۲۶. The Most Interesting Form of Lie
۲۷. Architecture and Politics: A Polemical Dispute. A Critical Introduction to Karel Teige's Mundaneum, 1929, and Le Corbusier's in Defense of Architecture, 1933
۲۸. The Modern Cult of Monuments: Its Character and Its Origin
۲۹. Physical Context /Cultural Context: Including it All
۳۰. Sign and Substance: Reflection on Complexity, Las Vegas and Oberlin
۳۱. On Robert Venturi, Denise Scott Brown, and Steven Izenour's Learning from Las Vegas
۳۲. Eclecticism

می‌توان نشان داد. نباید فراموش کرد که در سال آغاز به کار آپوزیشنز (۱۹۷۳) سال‌هاست که از شکوه سخنرانی‌های مدرنیست‌ها در کنگره سیام (۱۹۲۸-۱۹۵۹) می‌گذرد، با انفجار «مجتمع مسکونی پروتیت اگو» (۱۹۷۲) «چارلز جنکس» آن را زمان مرگ معماری مدرن معرفی می‌کند و نیز با انتشار کتاب‌های «پیچیدگی و تضاد در معماری» (۱۹۶۶) و «آموختن از لاس‌وگاس» (۱۹۷۲) نقد رادیکال معماری مدرن پیش‌تاز تئوری‌پردازی در رقم‌زدن معماری پس از مدرن می‌شود. بروز محدوده ۱ در تصویر ۲ را می‌توان به تأثیر چنین اتمسفری از رویدادهای معماری در آن سال‌ها دانست؛ اتمسفری که در آن صدای پیروان مدرنیسم در معماری چندان به گوش نمی‌رسد.

در پاسخ به پرسش ۳ باید یادآور شد در سال‌های میانی انتشار آپوزیشنز خبر چندان از پیش‌تاز منتقدان رادیکال مدرنیسم به چشم نمی‌خورد، ولی این گروه در سال‌های پایانی باز هم میدان را به دست می‌گیرند. به‌طوری که در تصویر ۲ دیده می‌شود، در محدوده ۲ از پست‌مدرنیست‌ها چیزی نمی‌بینیم ولی کلیدواژه‌های «ناسیونالیسم، کلاسیک‌گرایی، فرهنگ منطقه‌ای و ...» باز هم سهم بیشتری نسبت به آنچه از نومدرنیست‌ها دیده می‌شود دارند. این مسئله را شاید بتوان ناشی از ظهور نقدهایی دانست که در این سال‌ها با عنوان «منطقه‌گرایی در معماری» دوباره به سوی تئوری معماری مدرن نشانه رفته‌اند. مقاله «به‌سوی منطقه‌گرایی انتقادی: شش نکته از معماری پایدار»^{۳۴} نوشته «کنت فرامتون» در سال ۱۹۸۳ تنها یکی از این ده‌ها مقاله به‌شمار می‌آید؛ حرکتی که رفته‌رفته جریان حاکم بر مجله آپوزیشنز را در سال‌های پایانی با خود همراه می‌کند.

یکه‌تازی نومدرنیست‌ها تنها در سال‌های میانی انتشار آپوزیشنز (محدوده ۲) دیده می‌شود. شاید بتوان دلیل آن را اثرپذیری - خودآگاه یا ناخودآگاه - نویسندگان مجله از پروژه‌ها و بیانیه «گروه معماری نیویورک پنج» (۱۹۷۲) دانست (بنگرید به تصویر ۱). البته تمامی پنج عضو اصلی این گروه در آپوزیشنز نمی‌نوشتند، ولی نباید تأثیر «پیتر آیزمن» - از بنیان‌نیویورک پنج و مجله آپوزیشنز - را بر سال‌های میانه انتشار مجله بی‌اثر دانست.

نتیجه‌گیری

چنانکه در متن مقاله نیز به آن پرداختیم، مجله آپوزیشنز در دوره‌ای از تاریخ معماری فعالیت می‌کند که کنکاش پیرامون تئوری معماری پس از مدرن مهم‌ترین فکرمشغولی تئوری‌پردازان معماری به حساب می‌آید. به همین دلیل و به اعتبار نویسندگان خوشنام و آتیۀ مجله، می‌توان سمت‌وسوی جریان‌های معماری پس از مدرن را از مقاله‌های مجله آپوزیشنز شناسایی کرد. حضور این نویسندگان موجب شده است تا از یک سو چندصدایی مناسبی در مجله شکل بگیرد و بتوان نمایندگانی را از گونه‌های مختلف جریان‌های تئوری معماری در آپوزیشنز شناسایی کرد و در سویی

York: Princeton Architectural Press.

- Eisenstadt, N. H. (2010). *Modernity and Modernization*. Retrived from <https://sociopedia.isaportal.org/resources/resource/modernity-and-modernization/>
- Ellis, W. (1998). Type and Context in Urbanism: Colin Rowe's Contextualism. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 227-251). New York: Princeton Architectural Press.
- Endo, Sh. (2016). *Shuhei Endo on Why Architecture Should be Para-Modern, interview with Ebrahim Abdoh*. Retrived from <https://www.archdaily.com/786449/shuhei-endo-on-why-architecture-should-be-paramodern>
- Foster, K. (1998). Antiquity and Modernity in the La Roche-Jeanerret House of 1923. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 463-485). New York: Princeton Architectural Press.
- Frampton, K. (1998). Industrialization and the Crises in Architecture. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 39-64). New York: Princeton Architectural Press.
- Hays, K. M. (Ed.) (1998). *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984*. New York: Princeton Architectural Press.
- Henket, H. J. & Heynen, H. (2002). *Back from Utopia: The Challenge of the Modern Movement*. Amstredam: Nai010 Publishers.
- Heynen, H. (1999). *Architecture and Modernity: A Critique*. Cambridge, London & Massachusetts: Massachusetts Institute of Technology.
- Jeffrey, H. (1984). *Reactionary Modernism, Technology, Culture, and Politics in Weimar and the Third Reich*. New York: Cambridge University Press.
- Jencks, Ch. (1987). Postmodern and Late Modern: The essential definitions. *Chicago Review*, 35(4), 31-58.
- Jencks, Ch. (2007). *Critical Modernism, Where is Post-modernism Going?* London: Wiley-Academy Publishing.
- Klein, R. (2014). Some cosmological roots of Modern architecture. *YBL Journal of Built Environment*, 2(1), 5-17.
- Koetter, F. (1998). On Robert Venturi, Denise Scott Brown, and Steven Izenour's Learning from Las Vegas. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 654-660). New York: Princeton Architectural Press.
- Krier, L (1998). Forward, Comrades, We Must Go Back. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a*

۳۳. Inclusivism

۳۴. Towards a Critical Regionalism: Six points for an architecture of resistance.

فهرست منابع

- اتو وین. (۱۳۸۸). *معماری و اندیشه نقدانه* (ترجمه امینه انجم‌شعاع). تهران: نشر فرهنگستان هنر.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در معماری* (ترجمه علیرضا عینی‌فر). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: انتشارات سمت.
- Alexander, J. C. (1994). Modern, Anti, Post, and Neo: how social theories have tried to understand the new world of our time. *Journal of Sociology*, 23(3), 165-197.
- Anderson, S. (1998). Modern Architecture and Industry: Peter Behrens and the AEG Factories. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 521-550). New York: Princeton Architectural Press.
- Auge, M. (1997). *Non-Places, Introduction to an Anthropology of Supermodernity* (J. Howe, Trans.). Paris: Verso.
- Baciu, C., Bocos, M. & Baciu Urzica, C. (2015). Meta-Modernism: a conceptual foundation. *Procedia - Social and Behavioral Sciences Journal*, (209), 33-38.
- Baird, G. (1998). Architecture and Politics: A Polemical Dispute. A Critical Introduction to Karel Teige's Mundaneum, 1929, and Le Corbusier's in Defense of Architecture, 1933. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 586-588). New York: Princeton Architectural Press.
- Ciucci, G. (1998). The Invention of the Modern Movement. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 553-567). New York: Princeton Architectural Press.
- Cohen, S. (1998). Physical Context /Cultural Context: Including it All. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 65-103). New York: Princeton Architectural Press.
- Colquhoun, A. (1998). Sign and Substance: Reflection on Complexity, Las Vegas, and Oberlin. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 176-187). New York: Princeton Architectural Press.
- Eisenman, P. (1998). Aspects of Modernism: Maison Domino and the Self-Referential Sign. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 189-198). New

Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984 (pp. 401-411). New York: Princeton Architectural Press.

- Mao, D. & L. Walkowitz, R. (2008). The new Modernism studies. *Modern Language Association of America*, 123(3), 737-748.
- McAuley, J., Duberley, J. & Johnson, Ph. (2007). *Organization Theory, Challenges and Perspectives*. New York: Pearson Education Limited.
- Meyer, P. S. (2012). *Sidetracks: Painting in the Para-modern Continuum*. Stockholm: Orfeus Publisher.
- Moneo, R. (1998). Aldo Rossi: The Idea of Architectural and Modern Century. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 105-134). New York: Princeton Architectural Press.
- Ockman, J. (1998). The Most Interesting Form of Lie. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 412-420). New York: Princeton Architectural Press.
- Podoshen, J. S. (2014). Reactionary Modernism: an essay on the Post-Postmodern condition. *Journal of Research for Consumers*, (25), 1-19.
- Riegl, A. (1998). The Modern Cult of Monuments: Its Character and Its Origin. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 621-651). New York: Princeton Architectural Press.
- Rowe, C. (1998). Robert Venturi and the Yale Mathematics

Building. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 145-153). New York: Princeton Architectural Press.

- Rudrum, D. & Stavris, N. (2015). *Supplanting the Postmodern*. New York & London: Bloomsbury Publishing.
- Scott Brown, D. (1998). On Architectural Formalism and Social Concern: A Discourse for Social Planners and Radical Chic Architects. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 317-354). New York: Princeton Architectural Press.
- Smith, T. (2014). Rethinking Modernism and Modernity now. *Filozofski Vestnik*, XXXV(2), 271-319.
- Talmon, J. (1996). *The Intellectual Revolt against Liberal Democracy, 1875-1945*. Jerusalem: The Israel Academy of Sciences and Humanities.
- Yatsuka, H. (1998). Architecture in the Urban Desert: A Critical Introduction to Japanese Architecture after Modernism. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 255-287). New York: Princeton Architectural Press.
- Žukauskienė, O. (2016). A philosophical topography of place and non-place Lithuanian context. *Coactivity: Philosophy and Communication*, 24(2), 108-118.
- Pawley, M. (1998). Archigram and the retreat from technology. In K. M. Hays (Ed.), *Oppositions Reader: Selected Readings from a Journal for Ideas and Criticism in Architecture, 1973-1984* (pp. 425-438). New York: Princeton Architectural Press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

حبیبی، مسعود؛ ارمغان، مریم؛ رئیسی، ایمان و خوانساری، شیدا. (۱۴۰۰). تحلیل محتوای رویکرد مجله آپوزیشنز نسبت به تئوری معماری پس از مدرنیسم (۱۹۷۳-۱۹۸۴). *باغ نظر*, ۱۸(۹۴), ۵-۱۸.

DOI: 10.22034/BAGH.2020.218958.4457

URL: http://www.bagh-sj.com/article_126820.html

